



مبانی حمایت انحصاری از مالکیت های فکری با تأکید بر نظریه بازی ها

احمد یوسف زاده

استادیار دانشگاه شهید مدنی تبریز

ahmadusefzadeh@yahoo.com

سروش رستم زاد اصلی

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه شیراز

soroushlawyer@gmail.com

سید قاسم تیموری سندسی

دانشجوی دکتری حقوق خصوص دانشگاه علوم و تحقیقات تهران

s.gh.teymoori@gmail.com

چکیده :

لزوم حمایت از حقوق مالکیت های فکری امری است که از همان بدو پیدایش این حقوق مورد چالش جدی قرار گرفته است. حمایت از این حقوق و اعطاء حق انحصاری استفاده از این حقوق موجب هزینه های اجتماعی می باشد، به عبارت دیگر، موجب عدم دسترسی سایر افراد به این حقوق شده و رشد و توسعه اقتصاد را کم می کند. در مقابل، عدم حمایت از ایجاد کننده اثر موجب کاهش انگیزه افراد در تولید کالاهای فکری می شود. بنابراین، قانونگذاران ر حمایت یا عدم حمایت از حقوق مالکیت های فکری با چالش برقراری تعادل بین حمایت از منافع صاحب اثر و ایجاد انگیزه برای تولید کالاهای فکری از یک طرف و حمایت از منافع اجتماعی و امکان دسترسی افراد به این کالاهای فکری مواجه بوده و هستند. باید گفت که حقوق مالکیت های فکری به طور مستقیم بر میزان ابداعات، اختراعات و میزان تکنولوژی به داخل کشور مؤثر است. در این مقاله، دیدگاه های مختلف در خصوص لزوم حمایت از این حقوق مورد بررسی و نقد قرار می گیرد تا مشخص گردد که چرا که و به چه دلیل باید از این حقوق حمایت شود و در صورت لزوم حمایت مبنای آن چیست.

واژگان کلیدی: حقوق آفرینش های فکری، حمایت از حقوق آفرینش های فکری، نظریه بازی ها

**مقدمه :**

مسئله توسعه اقتصاد و توسعه پایدار از جمله دغدغه های هر کشور به خصوص کشورهای در حال توسعه می باشد. البته قابل تذکر می باشد که این پیشرفت و توسعه بدون ایجاد و انتقال تکنولوژی صورت نمی گیرد. واقعیت این است که در صورت عدم حمایت از حقوق آفرینش های فکری، شرکت های خارجی، انگیزه انتقال تکنولوژی به کشورهای دیگر را از دست می دهند. البته باید اشاره کرد که در زمینه لزوم حمایت از حقوق مالکیت های فکری نظریات مختلفی ابراز گردیده است. برخی از این دیدگاه ها جنبه فلسفی و اجتماعی و برخی دیگر مبتنی بر مسائل اقتصادی و بازار هستند. این نظریات در این مقاله مورد بررسی قرار می گیرد و با بررسی روند تاریخی این نظریات تا به امروز و بیان دیدگاه نظریه بازی ها، تلاش می شود مبانی و دلایل حمایت از حقوق مالکیت های فکری بیشتر آشکار گردد.

حمایت از حقوق مالکیت های فکری همواره محل چالش بوده است. حمایت از این حقوق به صورت اعطاء حق انحصاری بهره برداری برای ایجاد کننده واحد مزایایی است که از جمله می توان به ایجاد انگیزه برای متخصصین، محققین، مخترعین مراکز علمی و پژوهشی و صنعتی و نیز صاحبان فکر و ایده در سطح جامعه، جلوگیری از اختفای یافته های فکری و فناوری، جلوگیری از اختفای یافته های فکری و فناوری، انتشار دقیق و صحیح فناوری های جدید، جلوگیری از تکرار موضوعات پژوهشی و اتلاف وقت و سرمایه، تسهیل انتقال فناوری، آگاهی از روند توسعه فناوری در کشورها و آگاهی از سطح روند فعالیت های تحقیقاتی رقبا در فرآیند توسعه فناوری اشاره کرد. (Hettinger, 1989) در مقابل، برقراری چنین حقوقی دارای معایبی نیز می باشد که از جمله می توان به ممانعت از نسخه برداری از فناوری، انحصاری کردن فناوری، دولتی نمودن تحقیقات و کاهش انگیزه برای تحقیقات و افزایش قیمت کالاها و خدمات و فناوری به علت انحصار اشاره کرد. (Ibid) تحقیقات نشان داده است که کشورهای کمتر توسعه یافته و اکثریت کشورهای در حال توسعه، تولید کننده محصولات فکری و نوآوری نیستند، بلکه مصرف کننده حاصل تولید فکری کشورهای صنعتی می باشد. (Gne M Grossman and Lai 2002)

۱- دیدگاه فلسفی

در توجیه لزوم حمایت قانونی، نظریات مختلفی ابراز گردیده است. دیدگاه های فلسفی، همگرایانه، حقوق اعطایی از سوی دولت، قرارداد اجتماعی و دیدگاه نظریه بازی ها، به تفضیل در این قسمت مورد بررسی قرار می گیرد. دیدگاه فلسفی با عقاید فیلسوف انگلیسی «جان لاک» (۱۶۳۲-۱۷۰۴)، «توماس هابز» (۱۶۷۱-۱۵۸۸) و فیلسوف آلمانی «جرج ویهام فردریک هگل» (۱۸۳۱-۱۷۷۰) بنا نهاده شده است.

۱-۱- نظریه کار محور (دیدگاه جان لاک)

شاید «جان لاک» مهمترین نظریه پرداز حقوق مالکیت فکری باشد. بر اساس آراء «لاک»، حق مالکیت مانند همه حقوق دیگر از حقوق طبیعی ناشی می شود. (Donald 2004) در فلسفه حقوق طبیعی، خدا به عنوان خالق انسان در نظر گرفته می شود. از منظر این دیدگاه، خدا جهان خلقت را به طور مشترک به همگان اعطا کرده است. بنابراین، چگونه می شود که یک شخص خاص می تواند حق مالکیت انحصاری به حقوق مادی را کسب کند. «لاک» مسلماً راه حل عالی که ما را به مفهوم حق مالکیت شخصی رهنمون می شود ارائه داده است. «لاک» این برهان را با به ترسیم کشیدن تمایز بین اموال مشاع میان انسان ها که توسط خداوند به آنها اعطا شده و تملک فردی در آن اموال، مشخص می کند. اگر چه جهان خاکی و همه موجودات دیگر آن برای همه انسان ها مشترک است، با این وجود هر انسانی اموال شخصی دارد و این بدان معناست که هیچکس به غیر از خود آن فرد حقی بر آن ندارد. از این منظر، می بایست کار بدنی و یا کاری که فرد با دستانش انجام داده است را به درستی از آن و بدانییم. پس، هر چقدر او وضعیتی را که طبیعت فراهم آورده است تغییر دهد و این تغییر را در آن باقی گذارد کارش را با آن تکذیب کرده و چیزی از اموال خودش را به آن ملحق نموده است. از این رو، آن چیز را دارایی خودش ساخته است. به بیان دیگر، فرد با کار خود تغییری در مال ایجاد کرده و با این کار موجب خروج مال از مالکیت مشاع سایرین شده است. (Kenneth 2005, Locke, 1980)



دو تعبیر از عقاید «لاکین» مشتق می شود. در یک تعبیر، ما حق مالکیت بر اشیاء غیر مشخصی که بر روی آنها کار کرده ایم را کسب می نماییم. به طور دقیق تر، ما کار خود را با آنها ترکیب کرده ایم و از این رو ما میملک ما در آن اشیاء موجود است. در تعبیر دیگر، ما حق مالکیت بر اشیاء غیر مشخصی که آنها را با کار خود ارتقاء داده ایم را کسب می نماییم. به این علت که کار ما ارزشی ایجاد کرده است که در جهان طبیعت موجود نیست، چون آن ارزش جدید را با کارمان ایجاد کرده ایم. بنابراین، آن چیزی میملک ما محسوب می شود. از این رو، ما حقی بر اشیایی که آنها را با کارمان ارتقاء داده ایم داریم، مشروط بر اینکه هیچ فرد دیگری پیش از ما ادعایی بر آنها نداشته باشد. عقاید «لاک» توسط «توماس هابز» (Thomas Hobbes) دنبال شد، کسی که اولین طرفدار نظریه عمل گرایانه قرارداد اجتماعی بود. (Hobbes, 2006) نظریه عمل گرایانه قرارداد اجتماعی، نظریه رایج قرارداد اجتماعی مطرحه توسط «لاک» را به مبارزه طلبید. در این نظریه، در صورتی که نیاز به قدرت دولتی جهت اجرای حقوق داشته باشیم، هیچ چیزی طبیعی درباره یک حق وجود ندارد. این بدان علت است که اگر دولتمردان بخواهند حقی را اجرا کنند، این امر بدون اعمال دیدگاهشان درباره مفاهیم درست یا غلط، عدالت و بی عدالتی ممکن نیست. بنابراین، ادعای اینکه حقوق طبیعی هستند از ابتدا دچار تناقض است.

۲-۱- نظریه مالکیت (دیدگاه هگل)

رویکرد فلسفی دیگری در زمینه مالکیت های فکری بر اساس تأکید «هگل» بر تملک دارایی به عنوان نشانه ای از انسان آزاد پایه ریزی شده است. «هگل» اظهار می دارد: «دیدگاه مالکیت افراد را قادر می سازد که شخصیت کامل انسانی خود را آزاد و احراز کنند.» (hegel, 1860) بر طبق این رویکرد، به طور مسبوط بحث می شود که مالکیت های فکری باید انتقال ناپذیر باشند. در واقع، هگل بحث مالکیت را به طور کامل تغییر داده است. او به هیچ وجه نمی کوشد به پرسش هایی از این قبیل که مالکیت چگونه پدید می آید و چرا انسان نیازمند و به دنبال مالکیت هستند، پاسخ دهد. نظریه «لاکین»، بسیار قابل تقدیر و موضوع پژوهش های بسیار بوده است. «ایتایی سند» طرفدار جدی نظریه عملی، نظریه منتقدانه ای را پیش می گیرد و بحث می کند که نیاز به توجه بیشتری به این قضیه که چطور قراردادهای اجتماعی - که از طریق آن دولتمردان از حقوق شهروندان حمایت می کنند- ظاهر و استنتاج می شوند، داریم. (Sened, 1997) یک بحث جدی در مورد حقوق مالکیت فکری این است که اختراعات تکنولوژی عمدتاً یک ابداع اجتماعی و عمومی هستند که ما همه در آن شرکت داریم و از این رو، هیچ شخص یا شرکت خاصی نیست که ادعای مالکیت اختصاصی آن را بنماید. (Plant, 1995)

۲-۲- رویکرد عمل گرایانه

نقد ذکر شده، ما را به رویکرد عمل گرایانه رهنمون می سازد. این رویکرد توسط «بنتام» (Bentham)، «اسمیت» (Smith)، «استوارت میل» (Stewart Mill) و «کلارک» (Clarck) مطرح شده است. طرح پیشنهادی این اقتصاددان این است که حقوق مالکیت های فکری یک نوع پاداش احتمالی برای محققان فراهم می آورد که این موضوع نیز به نوبه خود باعث پیشرفت تکنولوژی به واسطه ایجاد انگیزه مضاعف برای اختراع و سرمایه گذاری برای توسعه ایده های جدید خواهد شد و بدون آن انگیزه های ابداعات و اختراعات کاهش می یابد. سیستم حق انحصاری، مثال خوبی برای فهم این مبحث که توسط این مکتب ارائه شده است، فراهم می کند. مفهوم اصلی این سیستم حق انحصاری این است که به مخترعان اجازه می دهد که قیمتی بیش از هزینه اختراعاتشان مطالبه کنند. از این رو، به آنها اجازه می دهد سودی بیشتر از ارزش سرمایه گذاری نهایی خود وصول کنند. دلیل این امر این است که تحقیق و توسعه و ارائه یک اختراع به بازار یک روند طولانی و گران قیمت است و ضمانتی برای موفقیت آن در کار نیست. (Carrier, 2000)

در مواردی هنگامی که موفقیت حاصل می شود، پدیده «سواری مجانی»^۱ رخ می دهد و کسانی که هیچ سرمایه گذاری نکرده بودند، ممکن است از ابداعاتی که به سختی حاصل شده تقلید کنند و ارزش آن را به خودشان اختصاص دهند. چنین اقداماتی، مخترعان دیگر را از فعالیت باز می دارد و در نتیجه ابداع کاهش می یابد. (Carrier, op.cit) مطالعات تجربی گوناگون نشان داده اند که عدم وجود حق مالکیت انحصاری قطعاً به اقتصاد ضربه می زند. همچنین، محرز گردیده است که خرید حق استفاده انحصاری، نرخ ابداع را در صناعی مانند داروسازی و مواد شیمیایی که اصولاً به حق انحصاری به جهت حمایت حقوق محترعین متکی است، افزایش می دهد.

^۱ در هنگام استفاده از وسایل و اموال عمومی، افراد مایل به استفاده از آنها هستند ولی حاضر نیستند هزینه حفظ و نگهداری از آن را بپردازند. به این پدیده «سواری مجانی» گفته می شود.



(Mansfield, 1986) «سایمن رز» نشان داده است که رابطه مستقیمی بین حقوق انحصاری تأیید شده و حقوق انحصاری بایگانی شده و رابطه آماری محکمی بین حقوق بایگانی شده و تولید ناخالص ملی وجود دارد. (Rose, 1998-1999) مشاهده شده است که به دنبال یک چرخه نزاع (در فرض عدم وجود حق انحصاری) تعداد درخواست های حق امتیاز انحصاری برای ابداع تکنولوژیکی کاهش یافته است که این امر تأثیر منفی بر اقتصاد گذاشته است. از طرف دیگر، هنگامی که دادگاه های استیناف از حق انحصاری طرفداری کرده اند، تعداد درخواست های حق امتیاز انحصاری افزایش یافت و این امر تأثیر مثبتی بر اقتصاد گذاشت. (Rose, op. cit.) بنابراین، حقوق مالکیت های فکری متکی بر دو ادعا است:

۱- اختراعات و ابداعات بدون انگیزه های مؤثر انجام نخواهد شد. به عبارت دیگر، نه اختراع و نه بهره برداری از آن صورت نخواهد گرفت، مگر اینکه مخترعان و سرمایه داران باور داشته باشند که سودی که ارزش تلاش و ریسک سرمایه گذاری آن را دارد، به دست خواهند آورد.

۲- حقوق آفرینش های فکری، ارزانترین و مؤثرترین راه جامعه جهت حفظ این انگیزه ها است. با وجود بحث های بسیار زیاد بر علیه کارکرد حق امتیاز انحصاری به عنوان انگیزه اختراعات، استفاده و اختصاص دهی منابع به طور مؤثرتر وجود دارد (Anderson, op. cit.) اما اقتصاددانان، حقوقدانان و مقامات مسئول اجتماعی به طور گسترده ای بر این باورند که حقوق امتیاز انحصاری برای پیشرفت اقتصادی سودمند است. (Mazzoleni and Nelson, 1998)

۳- دیدگاه حقوق اعطایی از سوی دولت

پاره ای از حقوقدانان معتقد هستند که مشروعیت حقوق مالکیت های فکری را باید در اراده دولت ها و قوانین جستجو کرد. به عبارت دیگر، پدیده ها و آثار موضوع حقوق مالکیت های فکری جزء میراث مشترک بوده و متعلق به جامعه است و مالک خاصی ندارد. در این دیدگاه، دولت به نمایندگی از سوی جامعه و با لحاظ مصالح عمومی در جهت تشویق مبتکرین و گسترش ابتکارات به برخی از آنها انواع خاصی از مزایا و امتیازات را اعطا می کند. پیروان این دیدگاه، رویه معمول دولت ها مبنی بر اعطای امتیازات محدود و مشخص به پدیدآورندگان آثار ابتکاری داده شده است.^{۳۱} این دیدگاه، بیشتر از اینکه به ماهیت و مبنای حقوق مالکیت فکری در خصوص نحوه به وجود آمدن و مورد حمایت قرار گرفتن این حقوق بپردازد، بازتاب شکل و شیوه حمایت از مالکیت فکری در قانونگذاری های اخیر می باشد.

۴- دیدگاه نظریه اجتماعی

بر طبق این دیدگاه، در وضعیت طبیعی کسی بر دیگری حاکمیت و فرمانروایی ندارد و همه از آزادی طبیعی برخوردار هستند که این مسأله وضعیت ناهنجاری را به وجود می آورد. در نتیجه، افراد منفعت خود را در این می بینند که از طریق قرارداد اجتماعی بخشی از حقوق و اختیار اجرای آن را به اجتماع (دولت) واگذار نمایند. در این راستا، پیروان این دیدگاه، مالکیت را حاصل قرار داد اجتماعی می دانند و منشأ پیدایش آن را قرارداد قلمداد می کنند. «استرلینگ» در این خصوص می نویسد: "کپی رایت ناشی از قرارداد میان پدیدآورنده اثر و اجتماع است. اجتماع زمینه را فراهم می کند تا هنرمندان و مبتکران پرورش یابند، در عوض پدیدآورنده نیز اثر ارزشمند خود را به اجتماع داده و در ازای آن پاداش دریافت می کند." (Sterling, 2003، حکمت نیا، ۱۳۸۷)

^۱- به عنوان نمونه، مدت حق اختراع در بسیاری از کشورها ۲۰ سال و حق تألیف ۳۰ سال و در پاره ای از کشورها ۵۰ تا ۷۰ سال اعتبار دارد.

^۲- این دیدگاه، از این جهت که هیچ حقی را به خودی خود و مستقلاً برای پدیدآورنده اثر در نظر نمی گیرد، محل ایراد می باشد.



۵- قاعده دارا شدن ناعادلانه و منع رقابت مکارانه

در این گفتار، قاعده دارا شدن ناعادلانه و ممنوعیت رقابت مکارانه تجاری به عنوان مبنایی برای حمایت از حقوق پدید آورنده اثر مورد نقد و بررسی قرار می گیرد.

۵-۱- قاعده دارا شدن ناعادلانه

مهمترین قاعده ای که ادعا شده از طریق آن می توان حقوق مادی پدید آورنده را اثبات نمود، قاعده «دارا شدن ناعادلانه» است. قاعده مزبور که در حقوق فرانسه «دارا شدن بدون علت» نامیده می شود، ریشه در مفهوم عدالت ترمیمی ارسطو دارد. (جعفر زاده، ۱۳۹۱) حقوقدانان رومی، دوگونه دعوا را شناسایی و مطرح کرده اند: ۱- دعوی استرداد آنچه بدون سبب داده شده است و ۲- دعوی ایفای بدون سبب. (Glover, 2002) در دوره های جدید، این قاعده به عنوان منبع جدید تعهد به رسمیت شناخته شده است. مسئله این است که اگر حقوق مالکیت های فکری محترم شناخته نشود، این امر منجر به استفاده بدون جهت جامعه از حاصل کار پدیدآورنده می شود. نکته قابل ذکر این است که استفاده از قاعده دارا شدن ناعادلانه در مقام تبیین مبنای مالکیت فکری و ماهیت آن با ایرادهایی رو به رو است. از جمله اینکه به کاربردن این قاعده در روابط میان فرد و جامعه محل اشکال است، چرا که محل اعمال این قاعده در روابط میان افراد خصوصی و معین می باشد.

۵-۲- منع رقابت مکارانه

می توان از بخش از حقوق مالکیت های فکری با استناد به قاعده منع رقابت غیر منصفانه حمایت نمود. این حقوق هر چند مستقیماً تحت عنوان رقابت غیر منصفانه قرار نمی گیرد، ولی از طریق قیاس اولویت شامل آنها نیز می شود. به این صورت که در رقابت غیر منصفانه شخصی کالای خود را با نام جعلی می فروشد، اما در نحن فیه شخصی کالای دیگری را به نام خود معرفی کرده و به فروش می رساند.

۶- دیدگاه نظریه بازیها

۶-۱- بیان نظریه

در بررسی و توجه حقوق مالکیت های فکری این رویکرد به اقداماتی که در این حقوق در میان گروهی از بازیکنان استراتژیکشان بر می انگیزد، تمرکز دارد. این بخش مدلی فرضی برای توجه ارائه می دهد که بیانگر این مطلب است که چگونه این حقوق می تواند بر روی رفتار این افراد تأثیر بگذارد و چطور دولت ها به سمت رژیمهای جهت فراهم سازی اجرای مؤثر این حقوق سوق داده شده اند. نظریه بازیها برای اشخاص و بازیکنان فرضیه های استاندارد را در نظر می گیرد. از جمله اینکه آنها عاقل هستند، در زمینه علاقه شخصی خود عمل می کنند و از انگیزه هایی که توسط حقوق مالکیت های فکری فراهم می شود، آگاه هستند. (Dutta, 1999) مثال زیر در رابطه با این تحقیق را در نظر بگیرید. گروه در نظر گرفته شده برای تحلیل یک مجموعه از شرکت های دارو سازی هستند که در اقتصادی بسته قرار دارند که خود را برای بازار بزرگتری از کالاهای اختراع شده آماده می کنند. شرکت هایی که در این گروه قرار دارند نگران مواردی مانند خطوط تولید جهت سرمایه گذاری، قیمت گذاری یک دارو و مقدار سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه هستند. تعیین موفقیت هر شرکت در بخش تحقیق و توسعه قطعی نیست و بستگی به سرمایه گذاری تحقیقاتی و توسعه شرکت دیگر دارد. به دلیل اینکه توسعه دهنده اول دارو بیشترین سود را کسب می کند، تعامل و تأثیر متقابل بین دو شرکت ایجاد می شود (به جهت حق امتیاز انحصاری مربوطه). بنابراین، سرمایه گذاری های توسعه و تحقیق از این جهت که آنها می توانند نقش مهمی در افزایش سود شرکت از گسترش یک داروی جدید ایفا کنند، استراتژیک و منطقی است.

دو شرکت دارو سازی را در نظر بگیرید: شرکت «الف» و شرکت «ب» که در سیستم های بسته جهت ارائه تولیدات نو به بازار بزرگتر عمل می کنند. علاوه بر آن، سود ناشی از سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه شرکت «الف» تحت تأثیر سرمایه گذاری شرکت «ب» در بخش تحقیق و توسعه است. مدل اولیه جهت تعیین رفتار شرکت برای سرمایه گذاری کردن یا نکردن در بخش تحقیق و توسعه



معمای زندانی است در یک بازی یک دوره ای. با فرض سیستمی که این شرکت های دارویی در آن عمل می کنند. هر شرکتی که سرمایه گذاری کند یا کنار نکشد، در حالی که شرکت دیگر همکاری یا سرمایه گذاری می کند، سود بیشتری خواهد برد. هر دو شرکت در شرایط سود خواهند بود که سرمایه گذاری یا همکاری کنند نسبت به وضعیتی که هر دو کنار بکشند یا سرمایه گذاری طاری نکنند. (Friedman, 1990)

| شرکت ب | | نمودار ۱ | | شرکت |
|--------|------------|----------|--|------|
| | | | | |
| همکاری | عدم همکاری | همکاری | | |
| (3,3) | (0,5) | | | |

معمای زندانی (Prison Dilima) در نمودار «۱» ارائه شده است و تعادل اقتصادی برای هر دو شرکت، همکاری یا سرمایه گذاری در بخش تحقیق یا توسعه خواهد بود. اگر این بازی مدل مناسبی در دنیای واقعی باشد هیچ تحقیق و توسعه ای به دلیل اینکه هزینه سرمایه گذاری بسیار بالاست نباید صورت پذیرد و مدیریت بدون سرمایه گذاری به وضعیت بحرانی منجر می گردد. (Posener, 2002) نمودار «۱» و مبحث مربوط به آن وضعیت نامساعدی را ارائه می دهد.

وضعیت مساعد سناریو با نمودار «۲» ارائه می شود که به وضعیتی مربوط می شود که در آن شرکت ها انگیزه سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه را دارند و در نتیجه سودشان به دلیل انحصار فروش فراهم شده از سیستم حق امتیاز انحصاری ترقی خواهد کرد. در این حالت، هر دو طرف قصد دارند در بخش تحقیق و توسعه سرمایه گذاری کنند.

| شرکت ب | | نمودار ۲ | | شرکت |
|------------|------------|------------|--|------|
| | | | | |
| همکاری | عدم همکاری | همکاری | | |
| (10,10) | (6,-2) | | | |
| عدم همکاری | همکاری | عدم همکاری | | الف |
| (1,1) | (-2,6) | | | |

در این بازی، اگر هر دو شرکت تصمیم بگیرند که سرمایه گذاری نکنند یا کنار بکشند به دلیل اینکه منابعشان را بر سیستم غیر اعتمادی گسترش خواهند داد، در وضعیت بدتری قرار خواهند گرفت.

شرکت «الف» اگر سرمایه گذاری نکند یا کناره گیری کند، دچار وضعیت بدتری در نتیجه ضایع کردن منابع خود می شود. (۶، ۲-) و شرکت ب به جهت اینکه سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه مطمئناً با معرفی ابداعات جدید به بازار همراه خواهد بود، سود بیشتری خواهد کرد. اگر هر دو شرکت سرمایه گذاری یا مشارکت کنند، هر دو به دلیل داشتن نوآوری از بالاترین منفعت (۱۰، ۱۰) بهره مند خواهند شد. از این تحلیل به روشنی مشخص می شود که سرمایه گذاری در بخش توسعه استراتژی غالب برای هر دو شرکت است. به عبارت دیگر، شرکتی که بدون در نظر گرفتن اقدام طرف دیگر سرمایه گذاری یا مشارکت کند سود بیشتری خواهد برد. در اینجا باید



متذکر شویم که در صنعت داروسازی مخارج تحقیق برای بازندگان انحصاری تلف نمی شود، بلکه اطلاعات بدست آمده می تواند در پروژه بعدی مورد استفاده قرار بگیرد. (Friedman1990, Dutta, 1999)

از تحلیل ذکر شده آشکار می گردد که انگیزه هایی که توسط حق امتیاز انحصاری ایجاد می شود، نقش مهمی در تصمیم بازیکن دارد. از این رو بحث می شود که حقوق مالکیت های فکری نه تنها از طریق تعریف کردن حقوق بلکه با به طور مؤثر اجرا کردن این حقوق با فراهم کردن حقوق امتیاز انحصاری محکم تر، مشوق ابداعات است.

۶-۲- اهمیت دیدگاه نظریه بازیها

تجزیه و تحلیل رفتارهای استراتژیک طرفین، نه تنها به فهم استراتژی غالب آنها و تقویت قوانین برای حمایت از حقوق تجاری کمک می کند، بلکه منجر به درک بهتر رفتارهای هر یک از بازیکنان نیز می گردد. «سوزان سل» در اثر جالبش شرح می دهد که چگونه قدرت در سیاستگذاری های بین المللی به طور فزاینده ای در راستای علایق شخصی به کار گرفته می شود تا توسط دولتمردان. (Seel, 2003)

برای روشن شدن این مطلب تصور کنید که دو شرکت در دو کشور متفاوت با قدرت معاملات و ظرفیت هدایت و تحقیق و توسعه متفاوت وجود دارند: شرکت «الف» از کشور «X» که قیمت های بالاتر و معامله وسیع تر و ظرفیت نوآوری بزرگتری دارد (به عبارت دیگر تولید کننده ابداعات است). و شرکت «ب» در کشور «Y» سهم کوچکتری از نوآوری در محصولات دارد و برای قیمت پایین تر تولید می کند (به عبارت دیگر مصرف کننده ابداعات است) به این دسته بندی عمدتاً به عنوان رابطه جایگزینی شمال و جنوب اشاره می شود. (Chin, 1990) در نتیجه، بعضی ها نتیجه گیری کرده اند که شمال (تولید کننده ابداعات) پیش بینی های لازم را برای حفاظت قوی تر از حقوق مالکیت های فکری می کند و جنوب (مصرف کننده ابداعات) برای بهره مند کردن مصرف کننده بومی به قیمت متضرر شدن تولید کننده از تأمین حقوق مالکیت های فکری صرفه نظر می نماید. به دلیل اینکه، اولین توسعه دهنده دارو بیشترین سود را (به دلیل حق امتیاز انحصاری و به دلیل فروش دارونه تنها کشور مبدأ، بلکه در کشورهای دیگر که بازاری برای آن دارو دارند) کسب می کند. (Ibid)

معمای زندانی در نمودار «۳» ارائه شده است و تعادل مناسب در غیاب توافق نامه حق امتیاز انحصاری بین المللی مؤثر یا رژیم حقوق مالکیت های فکری جهانی برای هر دو شرکت سرمایه گذاری کردن یا کنار کشیدن خواهد بود و این بدان علت است که هزینه تحقیق و توسعه در بخشی به دلیل شرایط مورد نیاز بسیار بالاست، اما هزینه های جانبی شامل هزینه های تقلید بسیار پایین است.

| شرکت ب | | نمودار ۳ | |
|------------|------------|----------|------------|
| | | همکاری | عدم همکاری |
| همکاری | همکاری | (3,3) | همکاری |
| | عدم همکاری | (0,5) | شرکت |
| عدم همکاری | همکاری | (5,0) | عدم همکاری |
| | عدم همکاری | (1,1) | الف |

می تواند بحث شود که استراتژی های غالب ارائه شده در نمودار «۳» برای شرکت های در دنیای اقتصادی فعلی ادعای بزرگی را عرضه می کند، زیرا برای رسیدن به آن باید استانداردهای جهانی به جهت حمایت از حقوق آفرینش های فکری (Sell, 2003) و خط مشی های کلی بسیار دیگری که این رقابت های بین المللی را تحت تأثیر قرار می دهند، در نظر گرفته شوند. برای داشتن انگیزه سرمایه گذاری و توسعه در دنیای اقتصاد که در سیستم تجارت آزاد را تشویق کند، یک شرکت باید قادر باشد بازده سرمایه قابل توجهی که ارزش سرمایه



گذاری را داشته باشد به دست بیاورد. رویکرد توافقنامه تریپس (Trips Agreements) که حق مالکیت را گسترش داده و نیازمند سطوح بالایی از حمایت است، پیروزی چشمگیری برای گروه بازیکنانی است که در صنایع دانش محور در حال تعامل می باشد. به دلیل اینکه، بر اساس معاهده تریپس، بازیکنان مختلفی که با هم کار می کنند اختیارات خود را اعمال کرده و به طور مؤثری آزادی عمل پیش روی کشورهای مستقل و شرکتها را محدود می کنند و فرصت های آن دسته از شرکت هایی را که در کسب حمایت چند جانبه ابزارهای جدی مالکیت فکری جهانی موفق شدند، افزایش می دهند. (Ibid)

از آنجا که صرف ایجاد انگیزه برای اختراعات جدید نمی تواند کشورهای در حال توسعه را ترغیب به اجرای تریپس نماید، چرا که این کشورها اغلب مصرف کننده این حقوق هستند. بسیاری از پژوهشگران بیان داشته اند که کشورهای در حال توسعه در پذیرش معاهده تریپس در طور مذاکرات آن تحت فشار بوده اند. اگر این موضوع صحت داشته باشد، حقوق معاهدات تریپس به عنوان منبع حقوق بین المللی می تواند زیر سوال برود و هزینه بالای معاملات (چانه زنی برای رسیدن به توافق کار) جهت رسیدن به توافق راهگشا به زوال کامل تریپس منجر خواهد شد. (Ibid)

به نظر می رسد تریپس نمونه کاملی از روابط صادراتی است. روابط صادراتی در معاملات بین المللی به طور فزاینده ای فرصت توافق ها را گسترش می دهد. (Sykes, 2004) در مورد تریپس، کشورهای در حال توسعه که بیشتر مصرف کنندگان حقوق مالکیت های فکری هستند تا تولید کننده آن، ترغیب شده اند تا قوانین مالکیت مالکیت های فکری خود را تقویت کنند، به صورتی که بتوانند منافع قابل توجهی به دارندگان خارجی حقوق مالکیت های فکری در مقابل سازماندهی همکاری های اقتصادی و ایجاد امکان دسترسی بیشتر کشورهای در حال توسعه برای صادرات به بازارهای این کشورهای توسعه یافته (جهت صادرات محصولات کشاورزی و منسوجات) برسند. (Sell, 2003) در نتیجه، تریپس انگیزه هایی جهت سرمایه گذاری و دسترسی به بازار برای کشورهای در حال توسعه را فراهم می کند. تریپس مفروض رژیم حقوق آفرینش های کارآمدی است که انگیزه ابداع را در حد مطلوبی برای مخترعان در سراسر دنیا از لحاظ قانونی فراهم می کند. معمای زندانی در نمودار «۴» ارائه شده است. در این وضعیت تعامل ایجاد می شود و تعادل اقتصادی هر دو شرکت در مشارکت یا سرمایه گذاری در بخش تحقیق و توسعه خواهد بود.

| | | نمودار ۴ | |
|----------|------------|----------|------------|
| | | شرکت ب | |
| | | همکاری | عدم همکاری |
| شرکت الف | همکاری | (10,10) | (6,-2) |
| | عدم همکاری | (-2,6) | (1,1) |

برخی از تحقیقات، این سؤال را مطرح کردند که آیا کشوری با ظرفیت محدود نوآوری، از توسعه تریپس برای مخترعان خارجی سود خواهد برد؟ بعضی از حقوقدانان از جمله «کالمن»، انتقال درآمد ضمنی در تریپس را تخمین می زند و مشخص می کند که هماهنگ سازی حق امتیاز انحصاری نه تنها به ایالات متحد آمریکا بلکه به ژاپن، کانادا و بریتانیای کبیر نیز با هزینه کشورهای در حال توسعه سود می رساند. اگر چه او در محاسباتش سودی را که کشورها در نتیجه افزایش جهانی فعالیت های خلاقانه کسب کرده اند، وارد نکرده است. (Mc Calman, 2002) بعضی دیگر، نتیجه گیری می کنند که هماهنگ سازی بیشتر مربوط به توزیع می شود تا تولید و اینکه الحاق چنین مقرراتی در معاهده ای مانند تریپس که یک معاهده حق انحصار کارآمد است، انگیزه های جهانی را برای تحقیق و توسعه تقویت کرده و ابداعات سریع را در همه کشورها چه تولید کننده و چه مصرف کننده ابداعات باشند، ترغیب می کند. (Grissman and Edwin 2002)

از این رو، «مسکس» بر پایه مستندات افزایش فعالیت های خلاقانه در کشورهای فقیر و کشورهایی با درآمد متوسط مانند برزیل و چین ارائه داده است. (Maskus, 2000) «گروسمن» نیز ابراز داشته است که تقویت حمایت از مالکیت های فکری در جنوب، رفاه جهانی را



افزایش می دهد. (Chin and Grossman , 1990) چنین تغییری در سیاست ها دو پیامد خارجی مثبت به همراه دارد. اول اینکه سود بیشتری از انحصار فروش برای مخترعان شمالی فراهم می کند که در درآمد کل مشارکت دارند و دوم اینکه انگیزه برای تحقیق و توسعه را که با افزایش ابداعات در هر دو کشور همراه است بالا می برد. قانون «بایج ویل»^۱ مثال دیگری است که می تواند برای روشن شدن اینکه چطور استراتژی های غالب قانون را پایه ریزی می کنند، مورد توجه قرار می گیرد. اگر این را در نظر بگیرید که مخترع اصلی یک دانشگاه یا یک آزمایشگاه دولتی است و تحقیق توسط دولت سرمایه گذاری شده است. با توجه به اینکه قبل از قانون بایج ولی (۱۹۸۰)، دانشگاه ها برای اختراعات هیچ حق امتیازی نداشتند و از این رو، اغلب تحقیقات کاربرد تجاری نداشتند و در قلمرو عمومی بودند. به عبارت دیگر، دانشگاه ها و آزمایشگاه های دولتی به تعادل اقتصادی رسیدند (Eisenberg, 1996)، اما نه به مشارکت در پروژه های کاربردی اقتصادی. باید اشاره کرد که قانون مزبور، با ایجاد حق انحصاری استفاده برای دانشگاه ها و دیگر مؤسسات تحقیقاتی آنها را به انجام تحقیقاتی بر روی پروژه هایی که کاربرد تجاری دارند، تشویق کردند. (Landes and Posener, 2003)

بر اساس این بیانیه، امتیاز حق انحصاری، ابداعات را با فراهم نمودن انگیزه تقویت می نماید. اگر اختراعات در هر صورتی ادامه داشته باشند، حق امتیاز انحصاری که اختراعات را ترغیب می کند نیازی به پشتیبان ندارد. در این صورت، قانون «بایج ویل» هیچ معنایی ندارد. اگرچه این بحث که امتیاز انحصاری موجب توسعه و تجاری نمودن ابداعات می شود، اما بدیهی است که یک شرکت بعید است که متعهد توسعه ابداعات یک دانشگاه بشود، مگر آنکه حقوق مالکیت خصوصی داشته باشد. اگر دانشگاه ها امتیاز انحصاری داشتند، آنها قادر به اعطاء لیسانس بودند و احتمال سرمایه گذاری شرکت ها در مواقع ضروری وجود دارد. «سن برگ» بیان می نماید که تغییر در سیاست ها ثروت باد آورده ای را به شکل حق امتیاز برای اختراعاتی که هزینه مالی بخش اعظم آنها توسط مالیات دهندگان فدرال تأمین شده است، برای دانشگاه ها فراهم می کند که آنها را به تغییر هدف تحقیقاتشان از حالت محض به کاربردی سوق می دهد. (Eisenberg , 1996) به علاوه، «آرنو» و «دیویس» نشان می دهند که حق امتیاز انحصاری دادن به ثمره تحقیقات کاربردی، بودجه هایی را برای حمایت از تحقیقات محض فراهم می کند. (Arno and Davis, 2001) همچنین، «مازولینی» و «نلسون» ابراز می دارند که قانون «بایج ویل» به طور چشمگیری دامنه ای را که دانشگاه های آمریکایی نتایج تحقیقات خود را که بطور بالقوه کاربردی تجاری دارند به آن اختصاص داده اند را افزایش داده است. (Nelson , op . cit . Mazzoleni and)

^۱- Bagh – Dold or Patent and Trademark Law Amendments Act, 35 U. S. C. 200.



نتیجه گیری :

در نتیجه این تحقیق مشخص گردید که حقوق مالکیت های فکری حاصل خلاقیت افراد بوده است و به همین دلیل می بایست مورد حمایت قرار گیرند. نظریات مختلفی در مورد چرایی حمایت از این حقوق بیان شده و هر کدام دلایل مستندات خود را ابراز نموده اند که به صورت مفصل مورد بررسی قرار گرفت. اما واقعیت این است فارغ از اینکه کدام نظریه را مورد بررسی قرار دهیم، در صورت عدم حمایت از این حقوق، میزان نوآوری و اختراع به صورت محسوسی کاهش می یابد، اما حمایت از این حقوق نیز با چالش عدم دسترسی افراد به این اختراعات و نوآوری ها مواجه است. سیستم های حقوقی مختلفی برای حل این مشکل حمایت از این حقوق را برای مدت محدودی مورد حمایت قرار داده و از این طریق میان منافع خصوصی پدید آورنده ی اثر و منافع جامعه در استفاده از این حقوق جمع کرده اند. همان گونه که در این تحقیق مشخص گردید اصولاً عدم حمایت از این حقوق موجب کاهش نوآوری و افزایش کپی برداری از حاصل فکر و خلاقیت سایر افراد می شود. در این صورت، اصولاً انتخاب عقلایی افراد عدم سرمایه گذاری در تولید این حقوق و کپی برداری از آن می باشد. در مقابل، در صورت حمایت از این حقوق، انتخاب عقلایی افراد عدم سرمایه گذاری در تولید این حقوق و در نتیجه گسترش و رونق آن می شود. این مسأله با گسترش فاصله تکنولوژیک بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای توسعه یافته، حمایت از این حقوق یا عدم حمایت از آنها می تواند موجب انتقال یا عدم انتقال تکنولوژی به این کشورها شود، چرا که کشورهای صاحب تکنولوژی تمایلی به انتقال تکنولوژی به کشورهایی که از این حقوق حمایت نمی کنند، ندارند. لذا باید گفت که امروزه لزوم حمایت از حقوق مالکیت های فکری امری پذیرفته شده است و مسأله تنها در میزان و مدت حمایت از حقوق مزبور می باشد



منابع:

- ۱- حکمت نیا، محمود، (۱۳۸۷)، مبانی مالکیت فکری، سازمان انتشارات پژوهشکده فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
- ۲- جعفر زاده، میرقاسم، (۱۳۹۱) جزوه درسی کلیات حقوق آفرینش های فکری، جزوه تحصیلی سال ۸۹-۸۸، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.
- 3- Alan O. Sykes, (2004) The Economics of public International Law, University Chicago Law and Economics, online working paper, No. 216, available at: www.ssrn.Com.
- 4- Carrier, Michael, (2000), unravelling the patent – Antitrust paradox, 150 U. Pa. Law Review, (Jan p. 761.
- 5- Chin, Judith and Gene M. Grossman, (1990). Intellectual property Rights and North – South Trade" , In R. W. Jones and A.O. Krueger, The political Economy of international Trade, Cambridge MA : Basil Blackwell Publishers, 90 – 107.
- 6- Chin, Judith, Grossman, Gene, (1990), Intellectual property Rights and North – South Trade, In R. W Jones and A.O Krueger, The political Economy of International Trade, Cambridge MA: Basil Blackwell publishers, 100 .
- 7- Dutta, Pratij, (1999), Strategies and Games – Theory and Practice, Cambridge, MIT press.
- 8- Eisenberg, Rebecca S, (1996). Public Research and Private development: patents and Technology Transfer in federally funded research, Virginia Law Review 82, 1663.
- 9- Friedman, James, (1990).Game Theory with application to Economics, New York: Oxford University press,
- 10- Gene M.Grissman and Edwin L.C Lai, (January 2002), International Protection of Intellectual property, NBER working paper, No. 8794, Cambridge MA, 28.
- 11- George hegel, The phenomenology of mind, (1860), available at <http://www.marxists.org/refrences/archieve/hegel/help/hegelbio.htm> (6/08/2006)
- 12- Grossman Gene and Lai, Edwin, (2002). International protection of intellectual property, NBER working paper, Cambridge MA, No. 8749, January
- 13- Hettinger, E, (1989). Justifying intellectual property, 18 philosophy and public affairs, 31-52.
- 14- Hobbes, Thomas, Philosophical rudiment concerning government and society, (1651) , available at: <http://www.constitution.org> (9/08/2006)
- 15- John Glover, (2002) Restitutionary principle in tort, Monash University law Review, 169
- 16- Keith E. Masks, (2000), Parallel Imports, the world economy, 23(9), 1269-1284.



- 17- Kenneth, Himma, (2005). Justifying intellectual property protection: why the interests of content – creators usually wins over everyone else's, Available at: <http://www.repositories.cadlib.org/bclt/its/12> (9/08/2006).
- 18- Landes William M, Posener, Richard A, (2003), The Economic Structure of Intellectual property Law, Cambridge: The Harvard University press,
- 19- Locke, John, (1980). Second treatise of civil government, hacked publication company, (1690), available at : <http://www.contitution.org/jL/2ndtreat.txt> : (9/8/2006)
- 20- Mansfield, Edwin, (1986). Patent and Innovation: An Empirical study, 32 Management Science, 173.
- 21- Mazzoleni Robert and Nelson Richard, (1998). The benefits and costs of strong patent protection: A contribution to the current debate, Research Policy, 27, 273 – 284.
- 22- Narin, Francis, (1993), what patents tell you about your competition, Chemtech, 52 .
- 23- Peter S. Arno and Michael H. Davis, (2001). Why don't we enforce existing drug price controls? The unrecognized and unforced reasonable pricing requirements imposed upon patents deriving in whole or in part from federally funded research , 75 Tulane law Review , 631-688.
- 24- Philip Mc Calman, (2002), National Patents, Innovation and International agreements, Journal of International Trade and Economic Development , 11(1) , 1-14.
- 25- Plant, Arnold, (1995). The Economic Theory concerning patents for Inventions, 1 Economica, February new series, University of Chicago press, 30-51.
- 26- Posener, Richard. (2002), The law and Economics of intellectual property" , Dedalus,
- 27- Richard, Donald, (2004). Intellectual Property Pights and global Capitalism: The political Economy of the Trips Agreement, New York, M, E. Sharpe,
- 28- Rose, Simone, (1998-1999), Patent Monopolyphobia: A Means of Extinguishing the fountain head? , 49 case W. Res. Law Review. 509, 579.
- 29- Seel, Susan. (2003). "private power, public Law: The globalization of intellectual property Rights," Cambridge Universiry Press,
- 30- Sened, Itai, (1997). The political institution of private property, Combridye, Cambridge press, 65.
- 31- Sterling ,J, (2003), world copyright law, sweet & Maxwell, 67.